

عنوان مقاله:

شناخت بهینه علم با اتخاذ کدام رهیافت میسر است؟

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 4، شماره 14 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

علی پایا - هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

چارچوبهای مفهومی کنشگران بر نوع شناخت آنان از امور تاثیرگذار است. در خصوص پدیدار علم تجربی (اعم از علوم فیزیکی، زیستی، انسانی، و اجتماعی)، هر یک از دو رهیافت رئالیستی و ضد رئالیستی تصویر متفاوتی از معرفت علمی را ترویج میکنند. این دو گروه درباره معیارهای معرفت مرتبه دوم و چارچوبهای مفهومی نظریههایی که میباید برای ارزیابی علم مورد استفاده قرار گیرد، با یکدیگر اختلاف نظرهای اساسی دارند. شماری از رئالیستها که میتوان آنها را به اعتبار دعاویشان رئالیستهای متواضع یا حداقلی نامید، بر این نکته تاکید میورزند که هر نظریه معتبر درباره علم تجربی میباید اولاً، شماری از اهداف بنیادی و اساسی را برای علم تجربی و فعالیت علمی تعریف کند. ثانیاً، مجموعهای از قواعد متدولوژیک را پیشنهاد دهد که به شیوهای موثر راه را برای رسیدن به اهداف تعریفشده هموار کند. و ثالثاً، استدلالهای معتبری ارائه دهد که روشن سازد اهداف تعریفشده و قواعد متدولوژیک پیشنهادی از بدیهیاتی که در این زمینه عرضه شدهاند برترند. ضد رئالیستها مدعیاند که رویکرد آنان در قبال علم تجربی از رویکرد مورد نظر رئالیستها موفقتراست و تصویر دقیقتری از علم و فعالیت علمی ارائه میدهد. به اعتقاد شماری از ضد رئالیستها، هدف علم میباید عبارت باشد از دستیابی به کفایت و توانایی تجربی. این گروه تاکید میورزند که نقش اصلی نظریههای علمی، بر خلاف آنچه رئالیستها ادعا میکنند، دستیابی به معرفت درباره امور زیربنیاد نیست بلکه نقش نظریههای علمی، سازماندهی و انتظام بخشیدن به دادههای تجربی و کسب معرفت در تراز پدیدارهای مشهود است. در داوری میان دو اردوگاه رقیب رئالیسم و ضد رئالیسم در علم میباید به سه پرسش اساسی توجه کرد: نخست، عالم میباید چگونه باشد تا معرفت علمی نه تنها امکانپذیر گردد که از بالاترین شانس پیشرفت برخوردار شود؟ دوم، هدف و ساختار علم چگونه باید باشد تا آن را به فعالیتی موفق بدل سازد، یعنی معرفت مربوط به پدیدارها و امور زیرین را در اختیار آدمی قرار دهد؟ و سوم، متدولوژی چگونه باید باشد تا شانس موفقیت علم را به حداکثر برساند؟ در مقاله حاضر با بهرهگیری از آرا شماری از فیلسوفان علم و محققانی که به جنبههای اجتماعی علم توجه داشتهاند، کوشش خواهد شد تا پاسخهایی خرسندکننده برای پرسشهای فوق ارائه شود. نکته اصلی مورد تاکید در استدلالهای مقاله آن خواهد بود که نوعی رهیافت رئالیستی، که عقلگرایی نقاد را با تجربهگرایی هدفمند ترکیب میکند نه تنها به دانشمندان و افراد عادی در درک بهتر علم کمک میکند بلکه برنامه تحقیقاتی قدرتمندی برای پیشبرد بهینه علم نیز در اختیار محققان قرار میدهد.

کلمات کلیدی:

رئالیسم علمی، ضد رئالیسم، تجربهگرایی متعارف، تجربهگرایی هدفمند، متافیزیک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1194525>

